

## بررسی سیر تحول تاریخی ضابطیت دادگستری در نظام حقوق کیفری ایران

اکبر وروایی<sup>۱</sup>، ساسان رضایی فرد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت:  
۹۴/۰۶/۱۰  
تاریخ پذیرش:  
۹۴/۰۸/۱۱

از صفحه ۲۵ تا ۵۶

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات  
تاریخ انتظامی  
سال دوم، شماره چهارم، بهار  
۱۳۹۴

### چکیده

ضابطان دادگستری به‌عنوان عاملان نهاد کشف جرم، نقش مهمی را در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی ایفا می‌کنند. از آنجایی که برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی زمانی مطلوب خواهد بود که این امر موجب تضييع حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع افراد جامعه نشود، بنابراین ضرورت دارد تا قانون‌گذار شرایط خاصی را برای احراز مقام ضابطیت تعیین نماید. هم‌چنین مصادیق ضابطان دادگستری را از حیث نهادی و اشخاص به‌طور دقیق مشخص نماید. هدف از انجام این تحقیق بررسی سیر تحول تاریخی مقام ضابطیت دادگستری در نظام حقوق کیفری کشور و تعیین عملکرد قانون‌گذار در راستای تعیین مصادیق دقیق مقام ضابطیت دادگستری است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی می‌باشد که به روش اسنادی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز تحقیق از منابع علمی مدون به‌دست آمده و به روش تحلیلی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که هر چند در سیر نظام تقنینی کشور شاهد عدم توجه قانون‌گذار به تکلیف خود برای احصاء حصری ضابطان دادگستری هستیم، اما بالاخره در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از سوی قانون‌گذار ضابطان دادگستری را احصاء حصری نموده و از سوی دیگر احراز این مقام را به‌عنوان یک مقام اکتسابی تابع شرایط ماهوی و شکلی خاص نموده است.

### کلید واژه‌ها

ضابطان دادگستری، نهاد کشف جرم، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۱- دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین [dr.varvaii.50@gmail.com](mailto:dr.varvaii.50@gmail.com)

۲- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه [sasan\\_rezaiefard@yahoo.com](mailto:sasan_rezaiefard@yahoo.com)

## مقدمه و بیان مسأله

با تشکیل جوامع و اجتماعات انسانی، گسترش روزافزون آن و روابط مستمر و تنگاتنگ مردم در ابعاد گوناگون، انسان‌ها به‌طور عقلی و تجربی دریافتند برای تأمین نیازها، داشتن روابط مناسب و صلح‌آمیز و برخورداری از امنیت و آسایش نیازمند اصول و قواعدی هستند که منافع آن‌ها نظم اجتماعی و امنیت آن‌ها را حفظ و تأمین می‌کند؛ بدین‌سان دریافتند که از یک سو تأسیس و اعمال هرگونه قاعده و قانون در جامعه نیازمند واگذاری بخشی از حقوق خود به قدرتی به نام دولت است و از سوی دیگر پذیرفتند که با کسب یک سلسله حقوق، مجموعه‌ای از تکالیف نیز متوجه آن‌ها خواهد بود و بدین‌سان حقوق متقابل دولت و ملت در جهت تأمین و حفظ منافع مادی و معنوی و بهره‌مندی از نظم و امنیت شکل گرفت. در سرتاسر تاریخ، جوامع مقرراتی را برای نظارت بر رفتار افراد و نیز مجازات‌هایی را برای نقض‌کنندگان این قواعد وضع کرده‌اند؛ نخستین مدرک حاکی از نیاز یک جامعه باستانی به مقرراتی برای کنترل رفتار انسان‌ها، تقریباً به ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد، یعنی هنگامی که فرمانروایان سومری معیارهایی را برای جرایم علیه اجتماع وضع کردند، این مقررات در طول هزاران سال تغییر داده شدند تا با اوضاع تازه منطبق باشند. مهم‌ترین بخش وضع قواعد و مقررات برای ایجاد نظم و امنیت جامعه و تعقیب مجرمان پیش‌بینی افرادی برای نگهبانی و پاسبانی از محلات، مغازه‌ها و تأسیسات بود (کرمانی، ۱۳۹۴: ۱۰).

لازمه جامعه مدرن در جهان امروز، رعایت حقوق بشر و التزام به قواعد آن از جمله اصل حاکمیت قانون است (حبیب زاده، توحیدی‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۱)؛ از این‌رو، پژوهش حاضر به بررسی ضابطیت دادگستری (تعیین مصادیق) در مسیر تاریخی قانون‌گذاری ایران پرداخته و قوانین آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰، ۱۳۷۸، ۱۳۹۲ را در خصوص مصادیق ضابطیت مدنظر قرار خواهد داد تا از این طریق نقاط ضعف و قوت آن در قیاس با قوانین قبلی روشن‌گشته و پیشنهادهای لازم در این خصوص ارائه گردد؛

بنابراین مسأله اساسی این پژوهش دستیابی به مصادیق ضابطیت دادگستری در فرآیند تحولات تاریخی آیین دادرسی از ابتدای فرآیند قانون‌گذاری در ایران و مقایسه آن با مصادیق مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. با تدقیق در سوابق قانون‌گذاری هویدا خواهد داشت که ضابطیت در مسیر فرآیند تاریخی تحولات کیفری دگرگونی‌هایی داشته است. دادرسی منصفانه برای تحقق نیازمند یکسری اصول، حقوق خاص، تشکیلات و مقامات ویژه‌ای می‌باشد که باید این اصول و قواعد را رعایت نمایند (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹: ۶۹).

در این پژوهش سعی شده است هدف اصلی با عنوان سیر تاریخی مقام ضابطیت در نظام حقوقی کشور و اهداف فرعی با عنوان، شرایط شکلی احراز مقام ضابطیت دادگستری در نظام حقوق کیفری کشور و شرایط ماهوی احراز مقام ضابطیت دادگستری در نظام حقوق کیفری کشور تعیین گردد.

سؤال اصلی پژوهش با عنوان «راهبرد قانون‌گذار در راستای تعیین مصادیق ضابطیت دادگستری چه ویژگی‌هایی دارد؟» و سؤالات فرعی با عناوین ذیل در نظر گرفته شده است:

(۱) با توجه به سیر تحولات تاریخی، قانون‌گذار ایران احراز مقام ضابطیت دادگستری را تابع چه شرایط شکلی قرار داده است؟

(۲) با توجه به سیر تحولات تاریخی، قانون‌گذار ایران احراز مقام ضابطیت دادگستری را تابع چه شرایط ماهوی قرار داده است؟

تحقیق حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی است که به روش اسنادی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز تحقیق از منابع مدون علمی به‌دست آمده و به روش توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، تمامی مطالب این پژوهش در ضمن رعایت امانت‌داری در بیان مطالب از کتب، رساله‌ها، مقالات حقوقی، فیش‌برداری و با ذکر منبع در ذیل هر صفحه به صورت پانویس بیان گردیده است.

بررسی‌های انجام شده در خصوص ضابطان دادگستری و حدود و اختیارات آن‌ها در قالب پژوهش‌های علمی یا پایان‌نامه‌های دانشجویی و مقالات و نشریات تخصصی وجود دارد، اما در خصوص بررسی سیر تحول تاریخی مقام ضابطیت در ادوار فرآیند کیفری پژوهشی درخور تا به حال انجام نشده است.

در جهت فرآیند دادرسی عادلانه لازم است که مصادیق ضابطان دادگستری به درستی توسط قانون‌گذار تعیین شده و حدود وظایف و اختیارات آن‌ها مشخص گردد، به گونه‌ای که این مقام اکتسابی با طی دوره‌هایی خاص محقق، و انجام تحقیقات بدون داشتن این مقام و طی دوره‌های قضایی خاص ارزش قانونی در فرآیند کیفری ندارد. برای کاهش این نارسایی‌های قضایی و کیفری، ارتقای سطح دانش قضایی، حقوقی و حرفه‌ای پلیس از طریق آموزش ضابطان از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید به آن پرداخته شده است.

## مفاهیم

### مفهوم ضابط

ضابط، در لغت به معنای نگهدارنده، حفظ‌کننده، نیرومند، حاکم و قائد آمده و از ریشه ضبط به معنای نگاه داشتن، حفظ کردن، محکم کردن و نگهداری است. در ترمینولوژی حقوق ضابط چنین تعریف شده است: «بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به‌عنوان اداره ناحیتی تأسیس و رئیس آن اداره (که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بود) را ضابط یا مباشر می‌گفتند (آخوندی، ۱۳۸۸: ۳۱). در واقع در لغت به معنای مباشر، حفظ‌کننده و نگاه‌دارنده هر چیزی به حد خودش می‌باشد (معین، ۱۳۸۷: ۶۷۸)، (دهخدا، ۱۳۳۷: ۲). پلیس، واژه‌ای است فرانسوی از ریشه لاتین «politia» در معنای عام، پلیس به مجموع مقرراتی که برای حسن جریان امور اجتماعی از سوی قدرت عمومی وضع می‌گردد، اطلاق می‌شود. در این مفهوم از پلیس مخابرات، راه‌آهن ارتباطات، جنگل، صید و شکار و غیره سخن به میان می‌آید،

در اصطلاح اداری-حقوقی پلیس را به اداری و قضایی تقسیم می‌کنند. پلیس اداری یا تأمینی، عهده‌دار پیش‌گیری از ارتکاب جرایم و جلوگیری از بی‌نظمی و اغتشاش در سطح شهرهاست و مداخله پلیس قضایی اصولاً به مرحله پس از وقوع جرم اختصاص دارد. در ایران وظایف پلیس در دوره قاجار بر عهده فراشخانه بود که در رأس آن فراش‌باشی قرار داشت و پس از مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ و استخدام کنت دومونت فورت به‌عنوان رئیس نظمیہ مقررات ناظر به وظایف پلیس که در کتابچه «قانونی گفت» آمده است تنظیم شد (پیرایه جو، ۱۳۷۲: ۳۱).

اما پلیس نوین در ایران حدود ۱۰۰ سال پیش توسط ناصرالدین شاه پایه‌گذاری گردید، پلیس ایران در زمان ناصرالدین شاه به دو قسمت ژاندارمری و پلیس شهری تقسیم می‌شد. واژه پلیس در مورد سازمان‌های شهربانی و ژاندارمری استفاده می‌شد که با ادغام این سازمان‌ها و تشکیل نیروی انتظامی این لفظ در مورد این سازمان به‌کار برده می‌شود؛ لذا با توجه به تشکیلات جدید پلیس در ایران می‌توان گفت نیروی انتظامی، سازمانی است مسلح که در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور بوده و هدف از تشکیل آن استقرار نظم و امنیت آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است (کرمانی، ۱۳۹۴: ۲۴).

### تعریف پلیس

پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از تخطی، تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص ثالث است. در هر حال چون عملیات پلیس در عمل موجب محدودیت آزادی افراد می‌شود، مقام‌های پلیس حق ندارند بدون مجوز قانونی در کار افراد دخالت کرده و مزاحمت ایجاد نمایند، وگرنه عمل آن‌ها غیرقانونی و فاقد مشروعیت حقوقی است (کرمانی، ۱۳۹۴: ۲۶). پلیس جدید ایران در سه بخش تقریباً مستقل فرماندهی، حفاظت و اطلاعات و

سازمان عقیدتی سیاسی تشکیل شده است؛ حوزه فرماندهی و حفاظت و اطلاعات تقریباً در ساختار سازمان پلیس کلیه کشورهای جهان مشترک است؛ اما وجود سازمان عقیدتی سیاسی از ویژگی‌های سازمان پلیس ایران محسوب می‌گردد؛ این سازمان موظف است تا در بعد اعتقادی، سیاسی نسبت به حفظ دستاوردها و ارزش‌های انقلاب و ایجاد روحیه دین‌داری و اخلاق متناسب با تعلیم دین اسلام که حفظ حرمت انسان‌ها از جمله اصول اساسی است، اقدام نماید. پلیس در یک تقسیم‌بندی به پلیس عمومی و پلیس اختصاصی تقسیم می‌شود: «پلیس عمومی به مجموعه وظایف و اختیاراتی گفته می‌شود که به منظور حفظ نظم عمومی یعنی امنیت، آسایش، بهداشت و اخلاق حسنه در کشور به مقام‌های اداری تفویض شده است؛ نظام‌های آن همان نظام‌ها و مقررات کشور است. در کنار پلیس عمومی پلیس‌های دیگر وجود دارد که چون این‌ها تابع نظام-های ویژه‌ای هستند و به وسیله مقام‌های ویژه‌ای هم اداره می‌شوند، آن‌ها را پلیس اختصاصی می‌نامند. هدف پلیس اختصاصی گاهی اهداف سنتی است، مانند پلیس راهنمایی و رانندگی، پلیس انتظامی راه‌آهن و... و گاهی هدف‌های آن به کلی از اهداف سنتی متفاوت است؛ مانند پلیس حفظ میراث فرهنگی و آثار باستانی».

بعد از انقلاب اسلامی با هدف دفع و رفع این دیدگاه که پلیس نیرویی در تقابل با مردم است، با نیت تغییر ماهیت، در نهایت مبادرت به ادغام سه نیروی شهربانی، ژاندارمری و کمیته کردند؛ سندی در آن زمان برای ۲۵ سال آینده پلیس با هدف تحول بنیادی تنظیم و تقریر شد؛ راه‌اندازی پلیس ۱۱۰ ارتقای سطح کیفی نیروها، به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، برگزاری دوره‌های آموزشی، جشنواره پلیس، راه‌اندازی پلیس ۱۹۷ با شعار «جامعه مسئول، پلیس پاسخ‌گو» از جمله ثمرات این سند است. آنچه طراحان سند چشم‌انداز قصد داشتند در واقع تغییر نگاه قهرآمیز سنتی پلیس به مردم بود تا با پر کردن شکاف بین پلیس و مردم این نیرو را به نیرویی در جهت حفظ قانون و حقوق شهروندان تبدیل کند (کرمانی، ۱۳۹۴: ۳۲).

## سیر تحولات قانونی ضابطیت دادگستری

### قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰، قانونی جامع در باب رسیدگی به فرآیند کیفری وجود نداشت، پیچیدگی دعاوی، تصویب قوانینی مدون را با الهام از منابع شرعی و حقوق مدون غرب می‌طلبید؛ چرا که عدم وجود قانون مشکلات عملی زیادی را برای هیئت حاکمه و مردم فراهم آورده بود که در نهایت منتج به تصویب قانون گردید. اصطلاح ضابط دادگستری از این قانون گرفته شده؛ بر طبق این قانون، ضابطان دادگستری دو دسته‌اند؛ دسته اول مقامات قضایی دادسرا، یعنی قضات تعقیب و تحقیق که در دادسرا خدمت می‌کنند. دادستان عمومی که رئیس ضابطان محسوب می‌شود و اساسی‌ترین وظیفه او تعقیب امور کیفری بود. بازپرس‌ها که گروه دیگری از ضابطان را تشکیل می‌دادند، تحقیقات و جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم را بر عهده داشتند، انجام تحقیقات مقدماتی در امور جنایی منحصراً به عهده بازپرس بود، اما در امور بزه دادستان و دادیاران تحقیق هم که معاونان دادستان محسوب می‌شدند، امر تحقیق را بر عهده داشتند (مدنی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم، بازجویی مقدماتی از متهم و نیز جلوگیری از فرار یا پنهان شدن او و سرانجام، حفظ آثار و دلایل و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی طبق ضوابط قانونی اقدام می‌کنند. به موجب ماده ۱۸ این قانون مأموران نظمیه مکلف هستند هرگونه تحقیقات مقدماتی راجع به جرایم را که مدعی‌العموم یا مستنطق بخواهد، به عمل آورند و بر اساس ماده ۲۰ قانون مزبور مکلفند فوراً مراتب را به مدعی‌العموم یا معاون او اطلاع دهند. به عبارت دیگر، بر اساس قانون مزبور پلیس یا ضابطان دادگستری در تحقیقات مقدماتی و برای رسیدگی به جرایم طبق قانون عمل نموده و مکلفند که نتیجه تحقیقات را به مدعی‌العموم یا معاون ایشان اطلاع دهند و در قانون مزبور، پلیس از خود اختیاری در رابطه با متهم نداشته و ندارد و همه در چهارچوب موازین قانونی است. در واقع قانون مذکور هرچند نظمیه را ضابط

دادگستری تلقی، و مکلف به انجام دستورات قضایی نموده، اما انجام وظایف را محدود به تحقیقات مقدماتی راجع به جرایم کرده و از این موارد حضور مستمر و مداوم نظمیه در صحنه جامعه به منظور پیشگیری از وقوع جرایم که از قدیم متداول بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد، استنباط می‌شود.

اما ماده ۱۹، چهار گروه از ضابطان عام را به شرح زیر احصاء نموده است:

(۱) مدعی‌العموم ابتدایی (دادستان عمومی) و معاونان او (دادیاران)؛

(۲) مستنطق (بازپرس)؛

(۳) کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان؛

(۴) صاحبان مناصب و رؤسای بریگارد ژاندارم (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

هنگام تصویب قانون اصول محاکمات جزایی، پلیس و ژاندارم به‌عنوان ضابطان عام و ایادی دادرسی پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بودند. در این ماده کمیسرهای پلیس و قائم‌مقام آن‌ها را در ردیف ضابطان عدلیه برشمرده و مدعی‌العمومی را که خود از ضابطان عدلیه است، به‌عنوان رئیس عدلیه برشمرده و تصریح نموده کلیه ضابطان دادگستری مکلفند دستور مقامات قضایی را اجرا نمایند. با تصویب قانون نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹) و به استناد بند ۸ ماده ۴ آن، وظایف پلیس و ژاندارم بر عهده نیروهای انتظامی (فرماندهان حوزه‌ها، پاسگاه‌های نیروی انتظامی و قائم مقام آن‌ها و مأموران اداره آگاهی) به‌عنوان ضابط قوه قضاییه نهاده شده است، بدین ترتیب وظایف و اختیارات در سلسله مراتب فرماندهی در نهایت به فرماندهان یگان‌ها نیز تسری می‌یابد.

ذکر این نکته مفید است که قرارداد بازپرس و دادستان و معاونان او در عداد ضابطان دادگستری از ایرادات این ماده به‌شمار می‌رود. در واقع در این قانون شرایطی



برای احراز مقام ضابطیت لحاظ نگردیده است و طی دوره‌های آموزشی نیز در نظر گرفته نشده است.

### قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ پاسخ‌گوی نیاز ضابطان دادگستری نبود؛ چرا که در مواد مربوطه اشاره‌ای دقیق به تفکیک ضابطان از یکدیگر نشده بود و در ماده ۱۸ این قانون نارسایی‌هایی وجود داشت؛ از جمله این‌که مأموران نظمیه را به اطلاق، عهده‌دار همه‌گونه تحقیق نموده بود که این امر پیچیدگی در امر تحقیق را موجب شده بود و عملاً تکافوی نیازهای دستگاه عدالت کیفری و مردم نبود، به هیچ عنوان به امر آموزش ضابطان دادگستری در این قانون اشاره‌ای نشده بود و در نهایت راه را برای تصویب قانونی جامع، مانع و موجز باز کرد. قانون ۱۳۷۸ مورخه فوق تصویب و پس از طی مراحل قانونی اجرا گردید؛ در ماده ۱۵ این قانون در خصوص مصادیق ضابطان دادگستری تعیین تکلیف گردیده است.

### ضابطان عام

در این خصوص نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تنها ضابط عام قید گردیده است. ایراد وارده بر این ماده این است که نیروی انتظامی را به‌طور مطلق ضابط دادگستری دانسته است و تمام کارکنان نیروی انتظامی، از فرماندهان رده بالا گرفته تا سربازان وظیفه در شمار ضابطان قرار می‌گیرند که این موضوع با تعریف ضابطان دادگستری در ماده ۱۵ ق.آ.د.ک منطبق نیست (آخوندی، ۱۳۸۸: ۳۳) بنابراین مأموران راهنمایی و رانندگی که از اعضای نیروی انتظامی می‌باشند ضابط دادگستری محسوب می‌شوند (نظریه ۷/۷۳۹۸-۱۳۷۹/۱۰/۱۷ اداره حقوقی) اما کارکنان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی را نمی‌توان ضابط دادگستری دانست (نظریه ۷/۵۰۸۹-۱۳۷۸/۷/۱۲ اداره حقوقی) علی‌القاعده ضابطان دادگستری را قانون تعیین و معرفی می‌کند. هیچ‌کس ضابط نیست، مگر این‌که قانونی این سمت را برای او به رسمیت شناخته باشد. قانون

اصول محاکمات جزائی، ضابطان دادگستری را مشخص کرده بود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز ضابطان را احصاء نموده است؛ اما این احصاء حصری نیست، افراد و مقامات دیگری نیز وجود دارند که به موجب قوانین خاص، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. علی‌القاعده ضابطان عام، صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند، مگر جرم‌هایی که قانون منع کرده است.

از آنجایی که ضابطان دادگستری وظیفه کشف جرم یعنی اولین مرحله از فرآیند کیفری را برعهده دارند، پس در این مرحله امکان تضييع حقوق شهروندی از سوی مأموران کشف جرم بسیار محتمل است؛ بنابراین به‌منظور حفظ حقوق شهروندی، قانون‌گذار بایستی اولاً ضابطان دادگستری را به نحو دقیق مشخص نموده و احصاء حصری کند، ثانیاً وظایف، اختیارات و مسئولیت ضابطان دادگستری را دقیقاً مشخص نماید؛ با این حال، ملاحظه می‌شود که متأسفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مقام احصاء ضابطان دادگستری به‌جای تعیین این‌که چه افرادی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند، از سازمان‌هایی نظیر سازمان نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط دادگستری یاد می‌شود. اطلاق سازمان نیروی انتظامی هم شامل نیروهای کادر و هم شامل سربازان وظیفه می‌شود (وروائی، ۱۳۹۳: ۱۴)؛ در این قانون در خصوص وظایف و اختیارات ضابطان عام نارسایی‌هایی دیده می‌شود که در مواد ۱۵ به بعد وجود داشته و عملاً در امر تحقیق و کشف جرم با محدودیت‌هایی روبروست؛ چرا که این قانون حمایتی هدفمند از ضابطان عام ارایه نداده و لازم بود که به امر آموزش و حدود اختیارات این نهاد به‌نحو دقیق‌تری اشاره می‌گردید تا این نیرو با اتکا به قانون، هر چه بهتر و با آسودگی خیال به وظایف خویش در قبال جرایم عمل نماید.

#### ضابطان خاص

ضابطان خاص حق دخالت در خصوص هیچ جرمی را ندارند، مگر این‌که قانون احصاء کرده باشد؛ مأمورانی که به موجب قوانین خاص، ضابط دادگستری محسوب

می‌شوند، ممکن است کلیه اختیارات ضابطان دادگستری را دارا نباشند یا فقط از لحاظ انجام وظایف خاص یا در زمان معین ضابط دادگستری به‌شمار آیند؛ طبق ماده ۱۵ این افراد عبارتند از:

- (۱) رؤسا و معاونان زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان؛
- (۲) مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛
- (۳) سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آن‌ها محول کند؛
- (۴) مقامات و مأموران که به موجب قوانین خاص در مورد وظایف محوله، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

در این رهگذر توجه به نکات ذیل اهمیت دارد:

اول؛ حوزه اجرایی وظیفه رؤسا و معاونان زندان به‌عنوان ضابط، محدوده زندان است و مقام قضایی در خارج از محوطه زندان نمی‌تواند وظیفه‌ای را به‌عنوان ضابط بر عهده آن‌ها محول نماید (نظریه ۷/۲۰۵۹۹ - ۱۳۸۰/۱۲/۱۸).

دوم؛ منظور از قانون خاص در بند ۳ از ماده ۱۵ ق.آ.د.ک، قانون حمایت از بسیج مصوب ۱۳۷۰ است؛ طبق این قانون مأموران بسیج فقط در صورت اجتماع شرایط زیر ضابط دادگستری محسوب می‌شوند:

الف) جرم ارتكابی مشهود باشد. (بر حسب قانون‌گذاری سال ۱۳۷۸، جرم مشهود جرمی است که در مرئی و در دید ضابطان دادگستری واقع شود و بر حسب ماده ۲۱ این قانون مؤلفه‌های آن عبارت بودند از: ۱) جرمی که در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شده یا مأموران یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند، ۲) در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر بر

وقوع جرم بوده‌اند، یا مجنی‌علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید، ۳) بلافاصله پس از وقوع جرم علایم و آثار واضح یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود، یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود، ۴) در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود، ۵) در مواردی که صاحب‌خانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را به خانه خود تقاضا نماید، ۶) وقتی که متهم ولگرد باشد. با این تفاسیر مواردی غیر از مصادیق حصری فوق از جرایم غیر مشهود به‌شمار می‌آیند.

ب) در محل وقوع جرم، دیگر ضابطان دادگستری حاضر نباشند.

ج) در صورت حضور سایر ضابطان چنانچه آن‌ها نتوانند یا نخواهند به موقع اقدام نمایند، نیروی مقاومت بسیج می‌تواند مداخله نماید.

سوم؛ افرادی که به موجب قوانین خاص ضابط دادگستری محسوب می‌شوند، شامل دو دسته هستند:

- افرادی که بدون نیاز به آموزش‌های ویژه ضابط محسوب می‌شوند؛ مثل فرمانده هوایما در مورد جرایم ارتكابی در هوایما و افرادی که نیاز به فراگرفتن آموزش‌های لازم دارند تا وظایف ضابطان دادگستری به آن‌ها تفویض گردد. یکی از مصادیق آن بدین شرح است که مأموران وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و سایر مأموران دولتی و شهرداری، مأمور اجرای قانون مربوط به قطع بی‌رویه اشجار می‌بایست وظایف دادگستری را در کلاس مخصوص تحت نظر دادستان شهرستان تعلیم بگیرند.

اما مأمورانی که به موجب قوانین خاص، ضابط دادگستری محسوب می‌گردند عبارتند از:

(۱) مأموران شکاربانی؛

(۲) مأموران جنگلبانی؛

۳) مأموران سازمان برق ایران؛

۴) مأموران وصول عایدات دولت و کشف قاچاق؛

۵) پلیس انتظامی راه آهن؛

۶) مأموران کادر بنادر و گمرکات؛

۷) فرمانده هواپیما؛

۸) کدخدا (قانون کدخدایی مصوب ۲۰ آذر ۱۳۱۴)؛

۹) مأموران شهرداری.

(آخوندی، ۱۳۸۸: ۳۵، ۳۶، ۳۷)

#### سایر ضابطان

ضابطان دادگستری را فقط قانون مشخص می‌کند و هیچ‌کس بدون تصریح قانون، ضابط دادگستری محسوب نمی‌گردد؛ بنابراین مأموران وزارت اطلاعات، کارکنان اطلاعات سپاه (نظریه شماره ۷/۷۷۲۱ - ۱۳۸۱/۸/۱۸)، کارکنان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه (نظریه ۷/۵۵۴۹ - ۱۳۸۱/۶/۲۲) و کارکنان حراست ادارات (نظریه ۷/۵۳۲۰ - ۱۳۷۱/۸/۱۱) را نمی‌توان در زمره ضابطان دادگستری دانست. استثنائاً طبق تبصره ماده ۱۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کارکنان سپاه پاسداران فقط در محدوده وظایف محوله از قبیل مبارزه با جریان‌های خرابکاری، اقدام کنندگان علیه انقلاب اسلامی حاکمیت جمهوری اسلامی و خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات نگهداری می‌کنند، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. اداره حقوقی بر این مطلب تأکید کرده است که استفاده از مأموران سپاه برای جلب و احضار متهمان فاقد وجهت قانونی است (نظریه ۷/۸۵۳۱ - ۱۳۸۱/۱۲/۸) (آخوندی، ۱۳۸۸: ۳۹).

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

قانون جدید دادرسی کیفری با درآمیختن تجارب داخلی و بین‌المللی و آموزه‌های نوین الهام گرفته از حقوق خارجی قانونی به مراتب بهتر از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ محسوب شده و در آن، هم نهادهای دیرین تجربه شده در کشور و هم نهادهای برگرفته از اندیشه‌های نو در این حوزه دیده می‌شود که البته نیازمند امکانات مادی و اجرایی در جهت اعمال هر چه بیشتر قانون پیش رو هستیم. قانون دادرسی کیفری ۱۳۷۸ در باب ضابطان دادگستری در ماده ۱۵ کمبودهایی داشت، به‌ویژه این‌که نیروی انتظامی را به‌طور کلی ضابط عام محسوب، و در خود این نیرو، تقسیم‌بندی خاصی جهت احراز و اجرای وظایف ضابطیت در نظر نگرفته بود، افزون بر آن، در خصوص دوره‌های آموزشی جهت ضابطان دادگستری و اخذ کارت ضابطیت، حکمی وجود نداشت که این موارد مقنن را به تدوین قانونی جامع‌تر و متناسب با حقوق شهروندی ترغیب کرد.

در اصطلاح حقوقی، ضابطان بازوی اجرایی دادرسی و دادگاه در راستای انجام وظایفشان هستند. قانون‌گذار در قوانین مختلف حسب مورد از زمان کشف جرم تا مرحله اجرای مجازات تکالیفی را بر عهده ضابطان قرار داده است، در ماده ۲۸ از قانون آیین دادرسی کیفری جدید، ضابطان این‌گونه تعریف گردیده‌اند: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۲۳۰). ویژگی ضابطان دادگستری این است که آن‌ها را قانون تعیین و معرفی می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند ضابط دادگستری بوده و از اختیارات ضابط استفاده کند، مگر این‌که این عنوان را قانون به او داده باشد. از طرفی بر اساس تبصره ماده ۳۲ همین قانون مقامات قضایی نیز نمی‌توانند وظایف ضابطان دادگستری را بر کسی تحمیل کنند، مگر این‌که قانون چنین وظیفه‌ای را بر عهده آن‌ها گذاشته باشد. بر همین اساس است که ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری بلافاصله پس از ارایه تعریف

ضابطان دادگستری در ماده ۲۸ قانون مذکور به لحاظ حساسیت موضوع و برای جلوگیری از سوءاستفاده از این تعریف، تعدادی از ضابطان را نام برده و بند «ب» معیار قانون را به عنوان تنها ملاک و معیار تشخیص و تعیین ضابط دادگستری اعلام کرده است؛ لذا کسی که قانون عنوان ضابط را به او اعطاء نکرده باشد، ضابط نیست.

## انواع ضابطان

### ضابطان دادگستری

با نگاهی به موقعیت و مسئولیت اشخاصی که به عنوان ضابط معرفی شده‌اند، می‌توان گفت ضابطان دادگستری بر دو دسته‌اند؛ یک دسته ضابط عام هستند و دسته‌ای دیگر ضابط خاص محسوب می‌شوند.

### ضابطان عام

ضابطان عام اشخاصی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند، مگر آن‌چه که قانون استثناء کرده باشد. ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در مقام احصای ضابطان دادگستری مقرر می‌دارد:

ضابطان دادگستری عبارتند از:

الف- ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

در زمان حاکمیت قانون سابق برخی افراد بدون توجه به صدر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ همه کارکنان نیروی انتظامی را ضابط محسوب نکرده و فقط افسران، درجه‌داران، فرماندهان آموزش دیده نیروی انتظامی را ضابط می‌دانند (مصدق، ۱۳۹۴: ۸۲)

خوشبختانه در قانون جدید ضابط دادگستری مقام اکتسابی فرض شده به این معنا که صرف عضویت یک فرد در یک سازمان موجب نمی‌شود تا آن فرد ضابط دادگستری

شناخته شود و به صراحت قانون جدید مقرر می‌دارد که سربازان وظیفه ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، ضمن این‌که در خصوص آموزش و نظارت دادستان و مقامات قضایی نسبت به ضابطان دادگستری بر خلاف قانون مصوب ۷۸ به کلی‌گویی اکتفا نکرده، بلکه بر ضرورت آموزش مستمر ضابطان از سوی دادستان و لزوم آیین‌نامه خاص در این باره تأکید می‌کند (وروائی، ۱۳۹۳: ۱۵). با توجه به این‌که وظیفه ضابط، یک امر کاملاً تخصصی است و از عهده هر کسی بر نمی‌آید و نیازمند تربیت، ممارست و آموزش حین خدمت است، انجام این امر توسط کسانی که هیچ تخصصی در این زمینه ندارند، بعید به نظر می‌رسد. به همین خاطر قانون‌گذار، شرایطی برای احراز ضابط بودن بیان نموده که عبارتند از: ۱- وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابط؛ ۲- فراگیری مهارت‌های لازم و گذراندن دوره‌های آموزشی که توسط دادستان برگزار می‌شود؛ ۳- تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری. بدین ترتیب، به صرف این‌که فردی مأمور نیروی انتظامی باشد، نمی‌تواند واجد عنوان ضابط باشد و برای احراز این عنوان می‌بایست شرایط یادشده را دارا باشد.

در متن ماده، عبارت «وثاقت و مورد اعتماد بودن» بنابر ایراد و برای تأمین نظر شورای نگهبان اضافه شده و منظور شورا این بوده که ضابطان، مورد وثوق و اعتماد مقام قضایی هم باشند، امری که حصول آن با تعداد زیاد ضابطان در هر حوزه قضایی آسان نیست.

با توجه به لزوم گذراندن دوره‌های آموزشی و تحصیل کارت ویژه برای احراز عنوان ضابط دادگستری، مأمورانی که در بخش‌های اداری نیروی انتظامی نظیر اداره گذرنامه (پلیس اداری) مشغول به کار هستند، ممکن است مشمول گذراندن این دوره‌ها و اخذ کارت نگردند و در نتیجه ضابط محسوب نخواهند شد.

لازم به ذکر است این فرد در خارج از ساعات موظف اداری یا ایام مرخصی یا استراحت و از این قبیل، عنوان ضابط و مأمور دولت را نخواهند داشت؛ لذا اعلام جرم از سوی آن‌ها در حال مذکور، جرم مشهود نبوده و توهین به آن‌ها نیز مشمول مقررات ماده ۶۰۷ ق.م. نیست. آیین‌نامه احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴ در باب



تعیین ضابطان، کارت ویژه ضابطیت و دوره‌های آموزشی مطالبی را بیان داشته است. در این‌جا شایسته است که بیان داریم دانش آموختگان به موجب ماده ششم این آیین‌نامه به توانایی‌های ذیل دست می‌یازند:

۱- شناخت موضوعات مهم و اساسی حقوق کیفری ماهوی، ۲- شناخت موضوعات مربوط به صلاحیت و تشکیلات سازمان‌های کیفری، ۳- توانایی تشخیص نحوه تفکیک جرایم مشهود از غیر مشهود (علی‌القاعده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نقایص و کمبودهایی در این خصوص وجود داشت و به جنبه آموزش و مستمر ضابطان دادگستری اشاره‌ای نشده بود، اما با تصویب قانون جدید خوشبختانه الزاماً ضابطان باید در دوره‌های مخصوص آموزشی جهت آشنایی با مصادیق جرایم مشهود و غیرمشهود شرکت نموده و پس از احراز صلاحیت و پذیرش در آزمون مربوطه توانایی عملی جهت انجام تکلیف مذکور در این بند را باز می‌یابند و وظایف مقامات قضایی در جهت امر آموزش بسیار مفید به فایده خواهد بود. افزون بر آن، تحصیل ضابطان در مقاطع کاردانی و کارشناسی در رشته حقوق قضایی و ایجاد گرایش ضابطیت در این مقاطع امری ضروری به نظر می‌رسد)، ۴- تشخیص نوع وظایف و اختیارات آن‌ها در جرایم مشهود و غیرمشهود (در قانون جدید آیین دادرسی کیفری بسیاری از مصادیق جرایم مشهود همان است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ وجود داشت؛ با این‌حال مواردی چون بند ث: جرم در منزل یا محل سکنای افراد اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و قسمت اخیر بند ج: متهم در محل، سوءشهرت داشته باشد و ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معلوم یا شغل و حرفه معینی ندارد، در ماده ۴۵ قانون جدید به آن افزوده شده است. ماده ۴۶ قانون جدید در مقام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در جرایم مشهود و غیرمشهود بیان می‌دارد: «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر، یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام

اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. هم‌چنین چنان‌چه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد. این ماده، وظیفه ضابطان دادگستری در خصوص جرایم مشهود و غیرمشهود را به تفکیک بیان نموده است؛ اما بهتر بود قانون‌گذار این دو دسته را در دو ماده جداگانه بیان می‌کرد؛ زیرا ضابط دادگستری هنگام برخورد با جرمی هم‌چون سرقت مسلحانه یا قتل عمد باید تکلیفی به مراتب جدی‌تر از برخورد با جرمی هم‌چون فحاشی یا اهانت داشته باشد. در این ماده تفاوتی میان جرایم خصوصی به عمل نیامده است؛ اما به نظر می‌رسد، هر گاه جرایم مزبور، خصوصی باشند تا زمانی که شاکی خصوصی، تعقیب آن را درخواست نکند، تکلیفی برای ضابط به وجود نمی‌آید. البته این مطلب نیز به ذهن می‌رسد که منظور قانون‌گذار این نبود که اول شاکی خصوصی تقاضای تعقیب نماید و سپس ضابط به وظیفه‌ی خود مبنی بر کسب تکلیف از مقام قضایی عمل کند؛ زیرا کسب تکلیف و اخذ دستور از مقام صالح قضایی به منزله تعقیب نیست تا مستلزم اخذ درخواست شاکی باشد، بلکه نوعی اقدام احتیاطی برای حفظ نظام جامعه است. از طرف دیگر در جرایم خصوصی نیز گاهی تقاضای تعقیب برای شاکی امکان فوری ندارد. با توجه به اختیارات، وظایف و اقداماتی که در این ماده برای ضابطان دادگستری در جرایم مشهود نهاده شده است. لیکن، ضابطان دادگستری نمی‌توانند در جرایم زنا، لواط، منافی عفت، هرگونه اقدام تعقیبی یا تحقیقی از متهم به عمل آورد، بلکه این کار توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود (ماده ۱۰۲)، هم‌چنین بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۸۵ اجازه تحقیقات مقدماتی در کلیه جرایم

مشهود افراد زیر ۱۸ سال را ندارند و فقط موظف هستند آلات و ادوات آثار علایم و دلایل جرم را حفظ نمایند.

علاوه بر موارد ذکر شده در این ماده، تکلیف دیگری بر عهده ضابطان دادگستری گذاشته شده و آن این است که اگر جرم مورد نظر منجر به فوت کسی شده باشد، اقدامات مذکور در ماده ۱۳۳ را نیز انجام دهند.

به موجب مواد ۲۸ و ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک قانون حمایت قضایی از بسیج، یکی از وظایف ضابطان دادگستری انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار و اختفای متهم و تبانی او با دیگران است. بدیهی است منظور از اقدامات لازم در قوانین مذکور اقدامات قانونی لازم است. زیرا به موجب اصل «قانونی بودن اقدامات کارگزاران نهادهای حکومتی و عمومی»، کارگزاران این نهادها صلاحیت انجام هیچ کاری را ندارند، مگر این که قانون اجازه انجام آن کار را به آنها داده باشد؛ بنابراین ضابطان دادگستری نمی‌توانند برای جلوگیری از فرار متهم به شیوه‌های غیرقانونی متوسل شوند.

۵- توانایی تشخیص مسئولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از اعمال زیان‌بار ضابطان.

۶- توانایی و شناخت لازم برای همکاری و تعاون با سایر مراجع قضایی در امور کیفری.

۷- شناخت ادله اثباتی جرم و آثار آن.

هویداست که قانون‌گذار در مواد فوق، شرایط ماهوی احراز مقام ضابطیت دادگستری را نیز از نظر دور نداشته است. در واقع این آیین‌نامه به‌عنوان منبعی تکمیلی به‌کار برده شده و شرایط ضابطیت، دوره‌های خاص آن و شرایط شکلی و ماهوی لازم جهت احراز مقام ضابطیت را در نظر داشته است.

## ضابطان خاص

ضابطان خاص افرادی هستند که حق دخالت در هیچ جرمی را ندارند، مگر آن که قانون صریحاً تجویز نموده باشد. با گذشت زمان، افزایش جمعیت، صنعتی شدن کشور، انقلاب و سایر عوامل، ضرورت ایجاد گروه‌های دیگری از ضابطان احساس می‌شود که می‌توان آن‌ها را ضابطان خاص نام نهاد (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

در آیین‌نامه احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴ در خصوص ضابطان خاص چنین حکم نموده است:

ماده ۹- هر یک از دستگاه‌ها، در موارد مصرح قانونی، ضابطان خاص خود که وثاقت و مورد اعتماد بودن آن‌ها بر اساس قوانین و مقررات تعیین صلاحیت شغلی کارکنان، مورد تأیید باشد را تعیین و جهت آموزش اولیه به دادستان معرفی می‌کنند. تبصره- با توجه به محدود بودن تعداد ضابطان خاص، محل آموزش آن‌ها می‌تواند به صورت متمرکز در تهران یا مراکز استان‌ها باشد.

شرایط و اوضاع و احوال لازم برای برخی جرایم به گونه‌ای است که ضابطان عام در محل وقوع جرم حضور ندارند؛ از این رو و به منظور اقدام به موقع در کشف جرم و جمع‌آوری آثار و دلایل آن گاه به موجب قوانین خاص مسئولان و مأمورانی از سازمان‌ها یا ادارات ذی‌ربط در مورد برخی جرایم ضابط دادگستری معرفی شده‌اند.

## رؤسا و معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان

به موجب ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۹ یکی از وظایف روسای مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان عبارت است از: محافظت و مراقبت کامل از زندان‌ها، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال محکومان و متهمان به وسیله عوامل در اختیار و پیش‌بینی تمهیدات لازم برای جلوگیری از

فرار آنان، هم‌چنین مراقبت در نحوه رفتار مأموران با محکومان و متهمان. لازم است ذکر گردد که محدوده انجام این وظایف فقط در محیط زندان است؛ بنابراین به نظر می‌رسد چنان‌چه شخص زندانی مرتکب جرمی در ایام مرخصی و در خارج از زندان شود، دیگر رؤسا و معاونان زندان نسبت به این مورد ضابط قضایی محسوب نشوند.

#### مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ماده ۱ قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱: «به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود همانند ضابطان قوه قضاییه هنگام برخورد با جرایم مشهود در صورت عدم حضور ضابطان دیگر یا عدم اقدام به موقع آن‌ها یا اعلام نیاز آن‌ها به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند.»

ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۲ «افرادی که دارای مجوز از نیروی مقاومت بسیج هستند، در صورت برخورد با جرایم مشهود و عدم حضور ضابطین دیگر یا عدم اقدام به موقع آن‌ها یا اعلام نیاز آن‌ها به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم را به عمل می‌آورند.»

بخش‌نامه شماره ۱۲۲۳۲/۱۷۹-۱ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۵: «رئیس قوه قضاییه به قضاوت دادگاه‌های عمومی و انقلاب و سازمان قضایی نیروهای مسلح به نیروی آموزش دیده و واجد مجوز مخصوص مقاومت بسیج سپاه پاسداران، در برخورد با جرایم مشهود (در صورت عدم حضور ضابطان دیگر یا عدم اقدام به موقع آن‌ها و یا اعلام نیاز آن‌ها) به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم، فرار متهم، تهیه گزارش و ارسال آن به مراجع قضایی، برابر ماده ۱ قانون حمایت از بسیج مصوب ۱۳۷۱ مجلس شورای اسلامی، مجاز به اقدامات قانونی لازم هستند و به موجب ماده ۴ آن قانون، به منظور حمایت از

افراد موضوع قانون، دفاتر حمایت و خدمات حقوقی و قضایی، بسیجیان نیز تشکیل شده‌اند...»

### سایر نیروهای مسلح

قسمت اخیر بند ب ماده ۲۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته: «همچنین سایر نیروهای مسلح که به موجب قانون، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آن‌ها محول می‌شود، ضابط محسوب می‌شوند. به موجب ماده ۱ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۸/۶/۸ شورای عالی امنیت ملی به منظور مبارزه مؤثر با قاچاقچیان مواد مخدر در شرق کشور، بخشی از نیروی نظامی در این منطقه را ضابط دادگستری اعلام نموده است (خالقی، ۱۳۹۰: ۵۱). مضافاً به موجب ماده ۱۴۴ ق. آ. د.ک مصوب ۹۲ بازپرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و بر حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت نیروی نظامی در حکم ضابط دادگستری است.

### فرمانده هواپیما

به موجب ماده ۳۲ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸، فرمانده هواپیما برای تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی از ضابطان دادگستری محسوب، به شرط آن‌که بزه یا جنایت در داخل هواپیمایی که بر فراز ایران پرواز می‌کند یا داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب یابد.

### کارکنان وزارت نیرو

تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون سازمان آب و برق مصوب ۱۳۴۶: «گزارش کارکنان وزارت آب و برق که به موجب ابلاغ مخصوص وزیر آب و برق انتخاب، و به دادرها معرفی

می‌شوند، ملاک تعقیب متخلفان و در حکم گزارش ضابطان دادگستری خواهد بود و تعقیب این متخلفان طبق بند ب از ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به عمل خواهد آمد.»

#### مأموران سازمان جنگل‌بانی

ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶: «مأموران جنگل‌بانی که به موجب احکام سازمان جنگل‌بانی مأمور کشف و تعقیب جرایم مذکور در این قانون می‌شوند در ردیف ضابطان دادگستری محسوب، و از این حیث تحت تعلیمات دادستان محل انجام وظیفه خواهند نمود.»

تبصره ۱- در صورتی که مأموران مذکور بر خلاف واقع به منظور نفع شخصی یا اعمال غرض گزارش خلاف واقع بدهند، به کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده، محکوم خواهند شد.

تبصره ۲- مأموران کشف و تعقیب جرایم که از طرف سازمان جنگل‌بانی تعیین می‌شوند، از حیث اجرای این قانون وقتی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص تعلیم گرفته باشند.

تبصره ۳- مأموران سازمان جنگل‌بانی که دارای معرفی‌نامه از طرف سازمان مزبور می‌باشند، با تحصیل نمایندگی از طرف دادستان مجازند کلیه کارخانجات صنایع چوب، هم‌چنین انبارها را در هر موقع که لازم بدانند بازرسی، و در صورت کشف چوب غیر مجاز نسبت به بازداشت آن اقدام و با تنظیم صورت‌مجلس مراتب را به دادسرای محل اطلاع دهند.

تبصره ۴- در صورتی که مأموران جنگل‌بانی خود، مرتکب جرایم مذکور در این قانون گردند یا شرکت و معاونت در آن نمایند، به حداکثر مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شوند و در صورتی که مسامحه در اجرای مقررات قانون یا آیین‌نامه‌های مربوطه نمایند، به حبس تأدیبی از یک تا سه ماه محکوم خواهند شد.

**مأموران شکاربانی**

ماده ۱۹ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶: «مأموران شکاربانی که از طرف سازمان شکاربانی مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق‌الذکر می‌شوند، در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند، از لحاظ اجرای این قانون در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند.»

**مأموران سازمان بنادر، دریانوردی، محیط زیست و شیلات**

قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴: «مأموران سازمان بنادر و کشتی‌رانی که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرایم در این قانون می‌شوند، در صورتی که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته و موفق به دریافت گواهی لازم از دادستان شده باشند، از لحاظ اجرای این قانون در حدود وظایف قانونی خود در ردیف ضابطان دادگستری محسوب می‌شوند. رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون تا زمانی که دادگاه‌های اختصاصی مقرر در قانون دریایی ایران تشکیل نگردیده در صلاحیت دادگاه جنحه خواهد بود.»

**کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

تبصره ماده ۵ اساسنامه سپاه پاسداران مصوب ۱۳۶۱: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه مأموریت‌های مذکور در مواد فوق به‌عنوان ضابط قوه قضاییه عمل می‌کند». برخی از این مأموریت‌ها شامل مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی، و اقدام علیه انقلاب است. مضافاً مبارزه با نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی و سایر موارد مذکور در قانون مربوطه می‌باشد.



### مأموران وزارت جهاد کشاورزی و منابع طبیعی و شهرداری‌ها

ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۲: « گزارش مأموران وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و سایر مأموران دولتی و شهرداری‌ها مأمور اجرای این قانون که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص تحت نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند در این موارد به منزله گزارش ضابطان دادگستری است.»

### مأموران سازمان حفاظت محیط زیست

ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳: « مأموران سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق‌الذکر می‌شوند، در صورتی که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطان دادگستری محسوب می‌شوند.»

### بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار

به موجب ماده ۱۰۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، «گزارش بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در موارد مربوط به حدود وظایف و اختیاراتشان در حکم گزارش ضابطان دادگستری خواهد بود.»

### افراد تحت استخدام دادگاه ویژه روحانیت

به موجب ماده ۲۵ آیین‌نامه داسرا و دادگاه ویژه روحانیت اصلاحی ۱۳۸۴، «داسرا (ویژه روحانیت) می‌تواند برای انجام تحقیقات و اجرای احکام داسرا و دادگاه افرادی را رسماً استخدام نماید؛ این افراد در زمان انجام مأموریت در حکم ضابطان قضایی می‌باشند.»

### ناظران شرعی بر ذبح دام، پرندگان و صید آبزیان

به موجب ماده ۸ قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید مصوب ۱۳۸۷، «ناظران شرعی در حکم ضابطان قضایی محسوب می‌گردند».

### بازرسان و کارشناسان مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی

مستفاد از ماده ۹ قانون اصلاح قوانین و مقررات استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱، بازرسان و کارشناسان مؤسسه مذکور نسبت به کشف و اعلام جرم در خصوص تخلفات احصاء شده در این قانون در حکم ضابط قضایی هستند.

### وزارت اطلاعات در جرایم خاص

ماده ۲۰۵ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲: «وزارت اطلاعات موظف است با هدف دفاع از حاکمیت و منافع ملی و تقویت تعامل با جامعه اطلاعاتی و پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم اطلاعاتی و امنیتی داخلی و خارجی به‌ویژه استکبار جهانی اقدامات زیر را انجام دهد:

الف - ارتقاء کمی و کیفی زیرساخت‌های اطلاعاتی با هدف تحکیم و تقویت امنیت پایدار و فراگیر؛

ب - پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته ضدامنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری؛

ج - ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم برای مشارکت هرچه بیشتر مردم در راستای تقویت و تحکیم امنیت پایدار کشور».

به موجب بند (ب) ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ یکی از وظایف این نهاد پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته ضد امنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری می‌باشند.

### مأموران پلیس انتظامی راه‌آهن

ماده ۷ قانون ایمنی راه‌های مصوب ۱۳۴۹: « هرگاه در طول خطوط راه‌آهن از طرف رانندگان وسایل نقلیه راه‌آهن بر اثر رانندگان وسایل مزبور قتل یا جرح یا ضرب واقع شود، باید وسیله نقلیه متوقف گردد و ضمن مبادرت به کمک‌های

نخستین در مورد مجروحان و مصدومان صورت مجلس در محل حادثه به وسیله مأموران انتظامی راه آهن و مأموران مربوط راه آهن تنظیم و پس از تحقیقات اولیه از راننده و مطلعین در صورتی که به سبب حادثه جسد یا اجسام دیگری روی خط راه آهن قرار گرفته و مانع عبور قطار و وسایل نقلیه راه آهن باشد، مأموران پلیس انتظامی راه آهن آن را به مجاورت محل به خارج خط در نقطه مناسبی انتقال داده و بلافاصله قطار و وسیله نقلیه را حرکت دهند. مأموران پلیس انتظامی راه آهن موظفند اثر و علائم موجود در محل حادثه را حفظ کرده و مراتب را در صورت قتل، فوراً به مقامات قضایی برای حضور و انجام تشریفات قانونی گزارش دهند».

#### مأموران پلیس گمرک

مطابق ماده ۳ قانون تأسیس پلیس گمرک ایران مصوب ۱۳۳۶، مأموران مربوطه اعم از افسر، درجه دار و افراد ( به استثنای پلیس آتش نشانی) که تحت نظر وزیر گمرکات انجام وظیفه می کنند، از لحاظ اجراییات گمرک جزء ضابطان دادگستری محسوب می شوند.

ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «به موجب این قانون، حفاظت گمرک های کشور زیر نظر رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت اماکن گمرکی و کالاهای موجود در آنها و امور اجرایی مبارزه با قاچاق در محدوده آن اماکن با أخذ مجوز از ستاد کل نیروهای مسلح، تشکیل و مأموران آن در حدود وظایف و با شرایط مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری، ضابط خاص قضایی محسوب می شوند».

#### مأموران وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

ماده ۱۵ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران مصوب ۱۳۵۰: « گزارش آن عده از مأموران وزارت پست و تلگراف و تلفن یا شرکت که حداقل دارای مدرک تحصیلی دوره کامل متوسطه باشند و تعلیمات مخصوصی را تحت نظر دادستان شهرستان فرا گرفته باشند و با معرفی شرکت با امضای دادستان شهرستان برای

۵۳ بررسی سیر تحول تاریخی ضابطیت دادگستری در نظام حقوق کیفری ایران

آنها کارت شناسایی عکس دار صادر شده باشد در مورد وظایف مربوط به آنها در حکم گزارش ضابطان دادگستری خواهد بود».

### گزارش بازرسان سازمان تأمین اجتماعی

بر طبق ماده ۱۰۲ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴، گزارش بازرسان در خصوص جلوگیری کارفرما یا نماینده او از انجام بازرسی در حکم گزارش ضابطان دادگستری تلقی می‌گردد.

### گزارش کارکنان وزارت نیرو و مؤسسات تابعه و کارکنان وزارت کشاورزی

بهموجب ماده ۳۰ قانون نحوه توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، گزارش کارکنان وزارت نیرو و مؤسسات تابعه که به موجب ابلاغ وزیر نیرو برای اجرای وظایف مندرج در این قانون به دادسرا معرفی می‌شوند، در حکم گزارش ضابطان دادگستری است.

### اعضای شورای اسلامی روستا در خصوص کشت خشخاش یا شاهدانه

به موجب ماده ۲۴ قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق مواد بعدی به آن مصوب ۱۳۷۶، گزارش این مقامات در حکم گزارش ضابطان دادگستری محسوب می‌گردد.

### کارکنان سازمان بورس اوراق بهادار

به موجب تبصره ۳ از ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۸، قوه قضاییه می‌تواند گزارش سازمان مزبور را در حکم گزارش ضابطان دادگستری قرار دهد، البته در خصوص وقوع جرایم که آن سازمان به‌عنوان شاکی اقدام می‌نماید.

### مأموران وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

مطابق قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۷۹، گزارش افراد مذکور به مثابه ضابطان دادگستری تلقی می‌گردد.

### مأموران وزارت کشور، شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و بخشداری‌ها

مطابق ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۴، هیئت وزیران، اشخاص مذکور در صورتی که وظایف ضابطان قوه قضاییه را زیر نظر دادستان

تعلیم گرفته باشند، از لحاظ اجرای قانون، آیین‌نامه و شیوه‌نامه‌های ناشی از آن در ردیف ضابطان قوه قضاییه قرار می‌گیرند.

#### فرمانده کشتی

بر حسب ماده ۸۵ مکرر از قانون اصلاح قانون دریایی مصوب ۱۳۹۱، فرمانده کشتی با وقوع جرم در کشتی مذکور تا پیش از مداخله مقامات صلاحیت‌دار در مقام ضابط دادگستری عمل می‌نمایند.

#### مأموران حفاظت گمرک

ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «به موجب این قانون، حفاظت گمرک‌های کشور زیر نظر رئیس‌کل گمرک جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت اماکن گمرکی و کالاهای موجود در آنها و امور اجرایی مبارزه با قاچاق در محدوده آن اماکن با أخذ مجوز از ستاد کل نیروهای مسلح، تشکیل و مأموران آن در حدود وظایف و با شرایط مذکور در قانون آیین‌دادرسی کیفری ضابط خاص قضایی محسوب می‌شوند».

#### رؤسا و مدیران واحدهای پستی

ماده ۱۸ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶: «رؤسا و مدیران واحدهای مذکور را مکلف به انجام تمامی اقدامات در جهت جلوگیری از امحای آثار جرم در رابطه با جرایم پستی نموده و تکالیف قانونی بر این اشخاص بار گردیده است».

#### ضابطان نظامی

مطابق ماده ۶۰۲ ق. آ. د. ک، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، یافتن متهم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق، و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون را اقدام می‌کنند.

لازم به ذکر است در غیاب ضابطان نظامی در محل وقوع جرم، وظایف آن‌ها به‌وسیله ضابطان دادگستری انجام می‌شود و پس از حضور ضابطان نظامی ادامه تحقیقات به آن‌ها محول می‌گردد، مگر این که مقام قضایی ترتیب دیگری اتخاذ نماید. در این مورد ریاست و نظارت بر عهده دادستان نظامی است (ماده ۶۰۵ ق. آ. د ک ۹۲). با توجه به ماده ۵۹۷ ق. آ. د. ک، ۹۲ که در مقام بیان صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح مقرر داشته است:

«جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود و از سوی دیگر مطابق ماده ۶۰۴ این قانون، وظیفه آموزش ضابطان نظامی بر عهده سازمان قضایی نیروهای مسلح است و به نظر می‌رسد ضابطان نظامی جزء ضابطان خاص دادگستری نبوده و نوع سومی از ضابطان محسوب شده و چنانچه این ضابطان در حین انجام وظیفه ضابطیت مرتکب جرمی شوند، رسیدگی به جرائم آن‌ها در صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی است» (مصدق، ۱۳۹۴: ۸۸ و ۸۹)

### نتیجه‌گیری

ضابطان دادگستری به‌عنوان نهاد کشف جرم، نقشی به‌سزا در فرآیند رسیدگی کیفری از زمان وقوع جرم تا زمان اجرای حکم ایفا می‌کنند. پژوهش انجام گرفته حاوی پرسش‌ها و فرضیه‌هایی بود که با تدقیق در آن، نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

(۱) در خصوص پرسش اصلی پژوهش می‌توان بیان داشت، هرچند در سیر و تحول نظام تقنینی کشور شاهد عدم توجه قانون‌گذار به تکلیف خود برای احصاء حصری ضابطان دادگستری بوده‌ایم، به‌طوری‌که در قوانین مصوب ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸ دقیقاً تکلیف عملی و درستی منطبق با نیازهای جامعه به‌عمل نیامده است و براساس آن هر شخصی در هر ارگان شناخته شده مطابق قانون وظایف ضابطان را ایفا می‌نمود، اما بالاخره در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری احصاء حصری گردیده، به‌طوری‌که خود ضابطان عام نیز تقسیم بندی‌هایی دارند و افرادی به غیر از آن ضابط



محسوب نمی‌گردد و قانون جدید نسبت به قوانین سابق الذکر در این خصوص مترقی و پیشرفته محسوب می‌گردد.

۲) در پاسخ به پرسش نخست فرعی باید خاطر نشان نمود، قانون‌گذار، احراز مقام ضابطیت دادگستری را تابع شرایط اکتسابی و شکلی قرار داده، به طوری که علاوه بر وثاقت و مورد اطمینان بودن، فراگیری دوره‌های لازم زیر نظر مرجع قضایی مربوطه، و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری از شرایط آن قرار داده شده است و کلیه اقدامات تحقیقات انجام گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بی‌اعتبار است. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید به نظر می‌رسد که مقام ضابطیت از مرحله انتسابی به مرحله اکتسابی گذر نموده و صرف عضویت فرد در یک سازمان موجب ضابط شناخته شدن وی نمی‌گردد، بلکه بایستی مقدماتی احراز و دوره‌های آموزشی لازم و استاندارد برگزار، و پس از موفقیت در این دوره‌ها کارت ضابطان به ایشان اعطاء گردد و از این مرحله تمامی وظایف و تکالیف ناشی از ضابطیت بر وی بار می‌گردد. به طوری که در قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸ طی دوره خاصی برای ضابط شرط نگردیده بود. به طور کلی می‌توان گفت یکی از مزایای قانون جدید این است که برخلاف ق. آ. د. ک ۷۸، ضابطان خاص را از ضابطان عام به صورت مشخصی تفکیک نموده چیزی که بیشتر فقط در کتب حقوقدان‌ها مختلف آورده شده بود. در نهایت ماده ۱۲ آیین‌نامه احراز عنوان ضابط دادگستری صدور کارت ویژه ضابطیت را الزاماً منوط به گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مقام قضایی و تأیید دادستان قرار داده است.

۳) در خصوص پرسش فرعی دوم در باب شرایط ماهوی احراز مقام ضابطیت دادگستری باید خاطر نشان نمود، اول این که احراز این مقام به تشخیص قانون می‌باشد و تنها اشخاصی که نامی از آن‌ها در فهرست ضابطان قید شده است واجد صلاحیت قانونی لازم در اجرای وظایف خویش خواهند بود، علاوه بر آن مورد وثاقت بودن که ناشی از حسن سابقه در انجام وظایف محوله می‌باشد، باید به اثبات برسد. افزون بر آن،

شرایط ذیل نیز از حیث ماهوی بایستی کسب و احراز شود تا پس از این مرحله کارت ویژه ضابطیت در اختیار این اشخاص قرار گیرد: ۱- شناخت موضوعات مهم و اساسی حقوق کیفری ماهوی؛ ۲- شناخت موضوعات مربوط به صلاحیت و تشکیلات سازمان‌های کیفری؛ ۳- توانایی تشخیص نحوه تفکیک جرایم مشهود از غیر مشهود؛ ۴- تشخیص نوع وظایف و اختیارات آن‌ها در جرایم مشهود و غیرمشهود؛ ۵- توانایی تشخیص مسئولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از اعمال زیان‌بار ضابطان؛ ۶- توانایی و شناخت لازم جهت همکاری و تعاون با سایر مراجع قضایی در امور کیفری؛ ۷- شناخت ادله اثباتی جرم و آثار آن.

۴) تأسیس پلیس اطفال و پیش‌بینی ضابطان ویژه بانوان.

### پیشنهادها

- ۱) تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی در خصوص اجرای هر چه بیشتر و بهتر وظایف پلیس و ارائه اختیارات لازم به آنها؛
- ۲) آموزش پلیس در خصوص آشنایی با مبانی جرم‌شناسی، روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی در حوزه جرایم اطفال و نوجوانان؛
- ۳) کارآمدتر کردن پلیس پیشگیری از جرم؛
- ۴) تخصصی‌تر کردن هر چه بیشتر ضابطان دادگستری.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم، نشر سازمان چلپ و انتشارات، چاپ یازدهم.
- بی‌نا (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری. جلد چهارم (کاربردی)، نشر مجد، چاپ اول.
- آشوری، محمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، نشر سمت، چاپ یازدهم.
- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴.
- آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان مقام ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴.
- آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۴.
- آیین‌نامه داسرا و دادگاه ویژه روحانیت مصوب ۱۳۸۴.
- ابراهیم ورکیانی، فاطمه (۱۳۸۹). دادرسی منصفانه کودکان در تعرض با قانون، نشر جاودانه، چاپ اول.
- اساسنامه تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱.
- پیرایه‌جو، اسد (۱۳۷۲). حق دفاع متهم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- تدین، عباس (۱۳۹۱). تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری. نشر میزان، چاپ دوم.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، نشر جاودانه، چاپ اول.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ توحیدی‌فرد، محمد (۱۳۸۶). قانون‌مداری در قلمرو حقوق کیفری، انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- خالقی، علی (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری. انتشارات شهر دانش، چاپ پنجم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). لغت‌نامه، تهران: نشر سیروس، ج ۳۲.
- کرمانی، شمس‌الدین (۱۳۹۴). سیر حدود اختیارات پلیس ایران در تحقیقات مقدماتی در صد سال اخیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده علوم و فنون انتظامی.
- قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱.

- قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸.
- قانون سازمان برق ایران ۱۳۴۶.
- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶.
- قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶.
- قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹.
- قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت مصوب ۱۳۵۲.
- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳.
- قانون کار مصوب ۱۳۶۹.
- قانون نظارت شرعی بر ذبح مصوب ۱۳۸۷.
- قانون اصلاح و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱.
- قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹.
- قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن مصوب ۱۳۴۹.
- قانون تأسیس پلیس گمرک ایران مصوب ۱۳۳۶.
- قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران مصوب ۱۳۵۰.
- قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴.
- قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱.
- قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق مواد بعدی مصوب ۱۳۷۶.
- قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸.
- قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۷۹.
- قانون اصلاح قانون دریایی مصوب ۱۳۹۱.
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲.
- قانون تأسیس شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری. نشر پایدار، چاپ چهارم.

- مصدق، محمد(۱۳۹۴). آئین دادرسی کیفری. چاپ پنجم، ویرایش سوم، نشر جنگل، چاپ پنجم.
- معین، محمد(۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین، یک جلدی، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول.
- وروائی، اکبر(۱۳۹۳). تقریرات درس آیین دادرسی کیفری، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.